

ادوار پنج‌گانه زندگانی امام خمینی

روز 14 خرداد 1368، مصادف با رحلت بزرگ مردی است که در تاریخ حوادث نیم قرن اخیر ایران به عنوان پرچمدار مبارزات مردم علیه رژیم ستم‌شاهی و بانی اعاده استقلال و عزت و سربلندی ملت ایران در برابر سلطه‌طلبی امریکا و همپیمانان غرب‌پیش شناخته شده است.

در بررسی زندگانی امام خمینی، 5 فراز متمایز را می‌توان برشمرد. این فرازها عبارتند از:

1 - از تولد تا شروع مبارزه علنی با رژیم شاه

امام خمینی در 20 جمادی الثانی 1320 هـ برابر با اول مهر 1281 ش در سالروز میلاد حضرت فاطمه زهرا (س) در شهرکی به نام خمین واقع در 300 کیلومتری جنوب تهران در یک خانواده روحانی به دنیا آمد. وی در 5 ماهگی پدر خود را از دست داد. مرحوم سید مصطفی موسوی، پدر ایشان، در مبارزه با ظلم خوانین خمین در سن 47 سالگی به شهادت رسید و پیکرش به نجف اشرف انتقال یافت و در آنجا به خاک سپرده شد.

امام تحت نظر عمه خود بانو «صاحبه» و نیز مادرش بانو «هاجر» پرورش یافت. اما این دو نیز در سنین نوجوانی امام، دارفانی را وداع گفتند.

امام خمینی تحصیلات ابتدایی و بخشی از معارف متداول روز و علوم مقدماتی و سطح حوزه‌های علمیه از جمله ادبیات عرب، منطق و فقه و اصول را نزد معلمین و علمای خمین گذرانید و برای ادامه تحصیل علوم اسلامی در 1299 ش به اراک آمد. در آن روز حوزه علمیه اراک اهمیت فراوانی داشت و روحانی برجسته‌ای چون حاج شیخ عبدالکریم حائری ریاست این حوزه را عهده‌دار بود.

امام از سنین طلبگی از طریق تماس مداوم با علما و روحانیونی که در پی نهضت ضد انگلیسی مردم عراق به ایران می‌آمدند و از طریق تماس با شخصیت‌های روحانی عصر مشروطیت و بالاخره پیگیری دائمی اخبار و حوادث روز از طریق وسایل ارتباط جمعی همواره تلاش می‌کرد تا در متن تحولات سیاسی و اجتماعی ایران و جهان اسلام قرار گیرد.

امام از نادرترین روحانیون حوزه علمیه قم بود که در 1299 ش در عین جوانی و در حالی که تنها 18 سال داشت کودتای رضاخان را محکوم کرد. او در تمام طول دو دهه حکومت رضاخان در برابر برنامه‌های ضد اسلامی وی از قبیل کشف حجاب، جدایی دین از سیاست، رواج فرهنگ اروپایی در ایران، اهانت به روحانیت و غیره علناً موضع‌گیری می‌کرد. کتاب کشف الاسرار وی که دو سال پس از فرار رضاخان از ایران و در 1322 ش نوشته شد، مواضع ایشان را در سالهای اختناق رضاخانی نشان می‌دهد. این در شرایطی بود که در حوزه علمیه قم و در سایر مجامع مذهبی و اسلامی در ایران، کمتر کسی جرأت اعتراض به اقدامات رضاخان را داشت. امام در «کشف الاسرار» فجایع سلطنت 20 ساله پهلوی را افشا کرد و با دفاع از اسلام و روحانیت به پاسخگویی به شبهات و حملات تبلیغاتی منحرفین پرداخت و برای نخستین بار ایده حکومت اسلامی و ضرورت قیام برای تشکیل آن را مطرح ساخت. در اردیبهشت 1323 اولین بیانیه سیاسی امام که در آن علمای اسلام و جامعه اسلامی به قیام عمومی دعوت شده بودند، صادر شد. لحن و محتوی بیانیه و مخاطب آن به روشنی گواهی می‌دهد که امام در آن شرایط اسفبار حوزه‌ها، انتظار انقلاب نداشت، بلکه انگیزه وی صرفاً به صدا درآوردن زنگ خطر برای طلاب جوان بود.

امام در سالهای مرجعیت آیت الله العظمی بروجردی، در ایجاد نظم و انضباط در امر تعلیم و تربیت و شهریه و سایر امور طلاب حوزه علمیه قم با ایشان همکاری نزدیک داشت. در آن اوقات امام سعی داشت تا مسائل حوزه و جامعه و جریانات سیاسی کشور را به اطلاع ایشان برساند. برای ایجاد تحول در برنامه دروس حوزه و ارتقاء علمی طلاب و به پیشنهاد امام، جمعی از علمای حوزه، مسئول این کار شدند و خود امام نیز با آنها همکاری می‌کرد. به پاس این خدمات، آیت الله بروجردی نیز احترام و اعتماد خاصی برای امام قائل بود؛ تا جایی که در موارد زیادی ایشان را به نمایندگی تام الاختیار خود در اداره حوزه می‌گماشت. آیت الله بروجردی امام را «چشم و چراغ حوزه» می‌دانست و در بسیاری موارد هنگام تصمیم‌گیری، با ایشان به مشورت و گفتگو می‌پرداخت. براساس اسناد و اطلاعات و خاطرات موجود، امام در دوران زعامت آیت الله بروجردی سعی خویش را صرف‌نظر از تحقیق و درس و بحث در رشته‌های مختلف، تدریس فلسفه، عرفان و فقه و اصول، همچنین تربیت شاگردان، مصروف حمایت از اقتدار مرجعیت و حوزه‌های علمیه از یکسو و انتقال اطلاعات سیاسی و اجتماعی و ارزیابی‌های خویش از مسائل روز و هشدارهای به موقع در مورد هدف‌های رژیم شاه و جلوگیری از نفوذ عناصر کج فهم و راحت طلب به داخل حوزه نموده است. او در همین حال ارتباط خویش را با عناصر سیاسی موجه در تهران و شخصیت‌هایی چون آیت‌الله کاشانی ادامه می‌داد و از طرق مختلف از جمله پیگیری مستمر مذاکرات مجلس شورای ملی و نشریات معتبر وقت، تحولات جاری را به دقت زیر نظر داشت و آنها را به اطلاع آیت الله بروجردی می‌رساند.

زندگی امام در سالهای فرار رضاخان در 1320 تا وفات آیت الله بروجردی در 1340 عمدتاً در نقش فعال ایشان در حوزه علمیه قم و در ارتباط نزدیک با مرجعیت تقلید و تقویت هر چه بیشتر رشته‌های تماس حوزه با حوادث و مسائل سیاسی روز خلاصه می‌شود. از آن جمله نقش برجسته امام در شناساندن هر چه بیشتر ماهیت حوادث سالهای بحرانی 1328 تا 1332 و مسائل مربوط به ملی شدن صنعت نفت و علل ظهور و سقوط دولت دکتر محمد مصدق و انتقال این شناخت به حوزه علمیه قم حائز اهمیت است.

وفات آیت الله العظمی بروجردی در دهم فروردین 1340، امام خمینی را به شخصیت برجسته حوزه علمیه قم و تکیه گاه مرکزی طلاب و مردم مسلمان ایران در آورد. چند ماه پیش از این ضایعه، در انتخابات ریاست جمهوری امریکا دموکراتها به کاخ سفید راه یافته بودند و رژیم شاه برای انجام رفرم‌های اقتصادی و سیاسی در کشور از سوی دولت امریکا تحت فشار قرار گرفته بود.

شاه در زمان حیات آیت الله بروجردی از یکسو تحت فشار امریکا برای انجام آنچه که «اصلاحات» لقب گرفته بود قرار داشت و از سوی دیگر مخالفت آیت الله بروجردی با برنامه‌های به ظاهر اصلاحی، وی را در تنگنا قرار داده بود. از این رو با رحلت آیت الله بروجردی، شاه و دولت او تصور می‌کردند مانع داخلی در مسیر انجام نقشه‌های آنان از میان برداشته شده است.

2 - آغاز مبارزه تا تبعید

دوره دوم زندگی امام يك مقطع دو ساله است که از مخالفت سرسختانه با تصویب لایحه انجمنهای ایالتی و ولایتی در 1341 آغاز و به تبعید ایشان در 1343 ختم شد.

موضوع انجمنهای ایالتی و ولایتی نخستین برخورد جدی امام با دولت علم بود که پس از وفات آیت الله العظمی بروجردی به وقوع پیوست. این برخورد نقطه آغاز حرکت سیاسی روحانیت به رهبری امام علیه شاه بود. این لایحه، در 16 مهر 1341 به تصویب هیئت دولت رسید. به موجب این لایحه که انجمنهای دولتی در هر ایالت و ولایت مأمور اجرای آن شده بودند، در برگزاری هر انتخابات واژه «اسلام» از شرایط انتخاب شوندها و همینطور انتخاب کنندگان حذف شده بود. انتخاب شدگان نیز به جای آن که مراسم تحلیف و سوگند را با «قرآن» به جای آورند، از این پس می‌توانستند طبق این لایحه با «کتاب آسمانی» این کار را انجام دهند.

امام، حذف کلمه «قرآن» و جایگزین کردن «کتاب آسمانی» را مقدمه‌ای برای حذف تدریجی قرآن کریم از قلمرو زندگی مردم مسلمان ایران می‌دانست و آن را زمینه‌ای برای برنامه‌های ضد اسلامی رژیم شاه برشمرده بود. از این رو وی بلافاصله به مخالفت با رژیم پرداخت و خواستار لغو این لایحه گردید. بین مخالفت و حمایت مردم از امام سبب شد، لایحه در آذر همان سال رسماً و در يك عقب نشینی آشکار از سوی دولت، لغو گردد.

مبارزه امام با «انقلاب سفید شاه» که توطئه‌ای برای از بین بردن کشاورزی مملکت و وابسته ساختن کشور به بیگانگان، به ویژه امریکا بود، از دیگر رویدادهای دوره اول نهضت امام محسوب می‌شد. این توطئه در پی يك رفتارندوم فرمایشی که 6 بهمن 1341 برگزار شد و به دستور امام با تحریم اکثریت قریب به اتفاق مردم مواجه گردید، به اجرا گذارده شد. در واکنش به این اقدام، امام نوروز سال 1342 را در کشور عزای عمومی اعلام کردند و این زمینه ساز کشتار طلاب حوزه علمیه قم در فروردین همان سال گردید. در پی این جنایت، امام با نطق‌های خود رژیم را مورد حمله قرار دادند و وابستگی این رژیم را به امریکا و صهیونیسم افشا نمودند. این افشاکری به بازداشت ایشان توسط رژیم شاه در نیمه شب 14 خرداد 1342 و سپس کشتار 15 خرداد انجامید.

در این جنایت، صدها نفر از مردم که معترض به بازداشت امام بودند، به ویژه در تهران و ورامین جان خود را از دست دادند.

تصویب لایحه کاپیتولاسیون در مهر 1343 نیز از دیگر خیانت‌های رژیم شاه بود که با اعتراض شدید امام مواجه شد. امام طی سخنرانی در سالروز ولادت حضرت فاطمه زهرا(ع) از این مصوبه به عنوان «سند بردگی ملت ایران» یاد کردند.

3 - از تبعید تا شکل‌گیری انقلاب اسلامی

دوره سوم زندگی امام يك مقطع 13 ساله است که از تبعید ایشان در آبان 1343 آغاز و تا شروع انقلاب اسلامی در دی 1356 ادامه یافت. انجام سخنرانی و انتشار بیانیه‌ای مفصل در مورد کاپیتولاسیون توسط حضرت امام علیه لایحه ننگین کاپیتولاسیون در مهر 1343 و حمایت مردم از مبارزات امام، سبب بازداشت ایشان در 13 آبان همان سال و تبعید به ترکیه شد. این تبعید تا سال 1357 ادامه یافت. در این دوره فعالیت‌های حضرت امام در خارج از کشور، روشنگری افکار عمومی مردم جهان نسبت به ماهیت رژیم پهلوی و زمینه‌سازی برای انقلاب و دعوت مردم ایران به قیام علیه این رژیم بود.

امام یکسال و یکماه در ترکیه به تبعید به سر بردند و سرانجام در مهر 1344 به عراق منتقل شدند. ایشان در عراق تمامی فعالیت‌های رژیم شاه را به دقت پیگیری می‌کردند و در برابر هر اقدام خلاف این رژیم سریعاً و با صراحت واکنش نشان می‌دادند. امام در 1349

و 1350 به دفعات علیه برگزاری جشنهای 2500 ساله شاهنشاهی سخنرانی کردند و بیانییه‌های متعددی انتشار دادند. متن نخستین بیانییه ایشان درباره جشنهای 2500 ساله، که در بهمن 1349 صادر شد، در شمارگان بالا و در جریان مناسک حج آن سال در مدینه و مکه انتشار یافت و ساواک علیرغم کنترل شدید حجاج، نتوانست از انتشار بیانییه جلوگیری کند. امام در این پیام فرمودند: «دنیا بدانند که این جشنها و عیاشی‌ها مربوط به ملت شریف و مسلمان ایران نیست و دائر کنندگان و شرکت کنندگان این جشنها خائن به اسلام و ملت ایران می‌باشند».

در مهر 1352، بدنبال وقوع جنگ چهارم اعراب و اسرائیل، امام با صراحت خواستار حمایت دولتها و ملت‌های مسلمان از کشورهای اسلامی درگیر در جنگ شدند و رژیم شاه را که در این جنگ با صهیونیستها همکاری می‌کرد، «عفریت خونخوار» خواند.

خریدهای کلان نظامی شاه در سالهای 1353 و 1354، افزایش بی‌سابقه صدور نفت به آمریکا و کشورهای غربی، به ویژه در شرایط تحریم نفتی دنیای غرب، تقویت رابطه شاه با رژیم صهیونیستی و یا جریاناتی مانند برگزاری جشن هنر شیراز، تأسیس احزاب رستاخیز، ایران نوین و مردم، تغییر تاریخ رسمی کشور از هجری شمسی به شاهنشاهی از جمله مسائلی بود که امام در برابر آنها موضعگیری کردند و به روشنگری افکار عموم پرداختند. نوارهای صوتی سخنان امام و بیانییه‌های ایشان در کوه‌تاهترین زمان ممکن توسط دوستداران او به ایران انتقال داده می‌شد و در سطح وسیعی پخش می‌گردید.

بدنبال انعقاد پیمان الجزایر در اسفند 1353 که به سردی و تیرگی روابط شاه با عراق پایان بخشید و حملات تبلیغاتی دو طرف علیه یکدیگر قطع گردید، محدودیتی برای فعالیت مخالفان در دو کشور پیش آمد. این محدودیت با افتتاح مجدد سفارتخانه‌های دو کشور و سفر مقامات بلند پایه طرفین به پایتخت‌های یکدیگر فزونی یافت. بر این اساس به تدریج فعالیت‌های حضرت امام در عراق تحت کنترل بیشتر دولت بعثی قرار گرفت و فشار شاه بر عراق برای متوقف ساختن مبارزات سیاسی امام، این کنترل را تشدید کرد.

سال 1355 با پیروزی مجدد دموکراتها در آمریکا و انتخاب کارتر به ریاست جمهوری، مجدداً فشار بر شاه برای انجام اصلاحات مورد نظر کاخ سفید آغاز شد. و اعلام «فضای باز سیاسی» در کشور از سوی شاه، شهادت آیت‌الله مصطفی خمینی فرزند ارشد امام در اول آبان 1356 و در نهایت انتشار مقاله توهین آمیز هفدهم دیماه همان سال در روزنامه اطلاعات علیه امام، زمینه‌های لازم را برای آغاز انقلاب اسلامی مردم ایران علیه حکومت پهلوی به وجود آورد.

4- از شکلگیری تا پیروزی انقلاب اسلامی

دوره چهارم زندگی امام يك مقطع 14 ماهه است که از اوج‌گیری نهضت اسلامی در دي 1356 آغاز و تا پیروزی انقلاب در 22 بهمن 1357 ادامه یافت.

نهضت سراسری مردم ایران در دي 1356 شکل علنی به خود گرفت و تا پیروزی انقلاب در 22 بهمن 1357 ادامه یافت. در این دوره، نقش امام، هدایت و فرماندهی مدبرانه انقلاب تا سقوط ارکان نظام و درهم پیچیدن طومار نظام شاهنشاهی بود.

به دنبال انتشار مقاله توهین آمیز در روزنامه اطلاعات، مردم قم با تعطیل کسب و کار خود دست به تظاهرات علیه رژیم زدند. این تظاهرات توسط مأموران شاه به خاک و خون کشیده شد. سپس در چهل شهیدان شهر قم، مردم تبریز به پا خاستند و تظاهراتشان با شهادت عده زیادی از آنان سرکوب شد. در چهل شهدای تبریز، مردم شهرهای دیگر و به همین ترتیب، به تدریج انقلاب سراسر کشور را در بر گرفت. امام از نجف رهبری این انقلاب را با مدیریت دایمانه خود بر عهده داشتند و مردم را از هرگونه عقب نشینی در برابر رژیم برحذر می‌داشتند. شاه نیز در برابر انقلاب، به تعویض پی در پی دولتها می‌پرداخت.

با اوجگیری انقلاب اسلامی ایران، دولت عراق فعالیت‌های امام را علیه رژیم شاه در نجف اشرف ممنوع اعلام کرد. اما امام تسلیم خواسته بعثیها نشد و ناگزیر گردید برای ادامه رهبری انقلاب، عراق را ترک کند. ایشان در مهر 1357 عراق را به سوی کویت ترک گفتند اما دولت کویت از ورود وی به خاک این کشور جلوگیری کرد. امام به دلیل این که تربیون‌های آزادتری در اختیار داشته باشد عازم فرانسه شدند و در روستای «نوفل لوشاتو» در حومه پاریس، مبارزات خود را با رژیم شاهنشاهی ادامه دادند. گرچه در ابتدا با محدودیت‌هایی مواجه شدند اما تلگراف‌ها و توجه مردم به ایشان فرانسه را ناگزیر از پذیرش نمود.

در طول سه ماه و اندی امام در فرانسه با ایرانیان مقیم فرانسه و خبرنگاران خارجی تقریباً همه روزه ملاقات داشتند. امام در فرانسه ابعاد مختلف انقلاب اسلامی ایران و فجایع رژیم شاه علیه ملت ایران را در جمع ایرانیان مقیم آن کشور تشریح می‌کردند. در طول مدت اقامت امام در فرانسه، تلاش‌های سیاسی دولتهای حکومت پهلوی برای باز داشتن ایشان از ادامه مبارزات سیاسی، بی نتیجه ماند.

5- از پیروزی انقلاب اسلامی تا رحلت

دوره پنجم زندگي امام از پيروزي انقلاب در بهمن 1357 آغاز و تا رحلت ايشان در 1368 ادامه يافت .

امام با اوجگيري انقلاب اسلامي ايران که منجر به خروج شاه از ايران در دي 1357 شد، در 12 بهمن اين سال و در ميان استقبال ميليوني مردم وارد تهران شدند. 10 روز پس از ورود امام، در 22 بهمن 1357 آخرين دولت شاه در رويارويي با مردم سقوط کرد و انقلاب به پيروزي قطعي خود رسيد با اين پيروزي پرونده 2500 سال نظام شاهنشاهي و 50 سال حکومت پهلوي در ايران بسته شد و سرفلصي جديد از تاريخ حيات سياسي، اجتماعي و اقتصادي ايران آغاز گرديد .

پس از پيروزي انقلاب، امام خميني در صحنه داخلي، سياست سازندگي و مقابله با آثار سياسي، فرهنگي و اجتماعي باقيمانده از رژيم شاهنشاهي را در دستور کار قرار دادند. در اين دوره همچنين همراه با ادامه تلاش در جهت وحدت اسلامي، تقويت حس وحدت و يکپارچگي در جهان اسلام و احياي روحيه سلطه ستيزي در ملل مسلمان سرلوحه برنامه هاي امام قرار گرفت. در دهه اول پس از پيروزي انقلاب چهره هاي متفاوت دشمنان اسلام و انقلاب را در داخل کشور شاهد بوديم، ترورها، انفجارها، ظهور گروه هاي چپ، راست و التقاطي طراحي کودتاها، حمله نظامي به طبرس، تحميل جنگ بر جمهوري اسلامي، تحريم اقتصادي ايران، بلوکه کردن دارائي هاي ايران و ... نمونه هايي از تاواني بود که ايران اسلامي براي استقلال و انکاء به اسلام پرداخت کرد .

امام در طول کمتر از 11 سال پس از پيروزي انقلاب، توانست با قدرت و صلابت استقلال کشور را در برابر تمامی توطئه ها و دشمنيهاي معاندین خارجي و عوامل داخلي شان حفظ کند .

ايشان سرانجام در 13 خرداد 1368 در بي يك بيماري نسبتاً طولاني دارفاني را وداع گفت .

فاصله خرداد 1342 تا خرداد 1368 را بايد درخشان ترين و حماسي ترين مقطع تاريخ حرکتهاي اسلامي مردم مسلمان ايران ناميد. در سيزدهم خرداد 1342 امام(ره) با نطق خود در مدرسه فيضيه قم مبارزه علني، طولاني و سرنوشت ساز خود را عليه امريکا و رژيم شاه آغاز کرد و در سيزدهم خرداد 1368 با پرواز به سوي معبود، بارسنگين مبارزه عليه امريکا و عمالش را به ميليونها مسلمان پاک و شهادت طلب در ايران و جهان واگذار کرد .

در 15 خرداد 1342 ميليونها انسان مسلمان به حمايت از حقانيت راه و روش و منطق امام دست به تظاهرات و راهپيمايي زدند و با نثار خون، ايمان و وفاداري خود را به پرچم توحيد و پرچمدار صادق آن ابراز داشتند. در 15 خرداد 1368 نيز ميليونها انسان مسلمان، باز براي حمايت از حقانيت راه و روش و منطق امام و اداي سوگند نسبت به ادامه اين راه، در يك راهپيمايي عظيم، پيکر مطهر امام را مشايعت کردند و با او وداع نمودند. از اين روي خرداد 1342 تا خرداد 1368 را بايد دوران مجد و عزت و افتخار دوباره اسلام در عصر جديد ناميد. ميراث عظيم امام اعم از سيره و آثار مکتوب ايشان در معارف الهي، راهنمايي حرکت فردي و اجتماعي جوامع اسلامي خواهد بود .